

بررسی تطبیقی آموزه‌های اخلاقی درسور مکی و مدنی و نقش آن در هویت‌یابی اخلاق اسلامی

میلااد اسدی^۱

چکیده

آموزه‌های اخلاقی مجموعه‌ای از خلق و خواها و ملکات نفسانی انسان می‌باشد که فضائل و ردائیل منشعب یافته از آن است. قرآن کریم مجموعه‌ای از ارزش‌های اخلاقی را، چه از نوع فردی و چه اجتماعی به بشریت عرضه کرده و انسان‌ها را به سوی این ارزش‌های والای انسانی دعوت نموده است. لازمه این امر دوری از ردائیل و کسب فضائل می‌باشد. این مقاله با روش مطالعات کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی-تحلیلی بیان می‌دارد، در هر دو قسم از سور مکی و مدنی قرآن کریم آموزه‌های اخلاقی مطرح گشته‌اند. لحن تند و شدید سور مکی دال بر طرد ردائیل و فردسازی اخلاق در جامعه آن عصر دارد، اما لحن ملایم و خفیف سور مدنی دال بر کسب فضائل و اجتماعی سازی اخلاق در آن بازه زمانی است. بنابراین استنباط می‌شود، رعایت اصول و ارزش‌های اخلاق فردی و پایبندی به آن، شاکله و متن زندگی اجتماعی را شکل می‌دهد و نقش مهمی در شکل‌گیری و هویت‌یابی اخلاق اسلامی دارد.

کلیدواژه‌ها : آموزه‌های اخلاقی، سور مکی و مدنی، اخلاق اسلامی، هویت اخلاق.

^۱- کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه، آدرس پست الکترونیکی: miladasadim@hotmail.com

مقدمه

دین مبین اسلام، متضمن سعادت انسان در همه شوون زندگی و تعیین کننده خط مشی و شیوه درست زندگی انفرادی و اجتماعی است. و آدمی را به سوی کمالات نفسانی و اجتماعی رهبری می کند و به عالی ترین درجات انسانیت ارتقا می بخشد. بدیهی است که این دین، برای رساندن به مقصود باید برنامه ریزی منسجمی داشته باشد. به همین منظور خداوند، به عنوان وضع کننده این دین، قرآن کریم را سرشار از راهکارها و ارزش ها برای سعادت انسان ها و زندگی بهتر آن ها قرار داده است. (سادات، ۱۳۷۲ش، ص ۸۱) قرآن کریم، برنامه ای عملی است که همه اصول و مقررات زندگی فردی و اجتماعی انسان ها از جمله نوع تعامل انسان با آفریدگار و جهان آفرینش و همه پدیده هایی که اطراف او وجود دارند و نوع ارتباطات او با خانواده، همسایه، جامعه، امت اسلامی و حتی انسان های غیر همکیش او را در بر می گیرد. از طرفی مفاهیم اخلاقی قرآن، چنان برنامه گسترده و جامعی برای زندگی انسان دارد که خط مشی زندگی و سعادت بشر را از هنگام تولد تا مرگ و از درون خانواده تا میدان جنگ و از اداره تا کار خانه و بازار تا کرسی قضاوت و مدیریت و رهبری سیاسی مشخص می سازد(داوودی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۳). این مقاله بصورت موضوع محور به بیان برخی از مصادیق آموزه های اخلاقی در سور مکی و مدنی قرآن کریم از حیث مفهومی و محتوایی پرداخته است. آموزه های اخلاقی در سور مکی و مدنی مطرح شده اند، زیرا عده ای معتقدند بحث از آموزه های اخلاقی تنها در سور مکی کاربرد دارد نه سور مدنی، زیرا سور مدنی بیشتر به بیان و تشریح احکام فقهی پرداخته است تا مفاهیم اخلاقی. به همین دلیل روش تحقیق در این پژوهش تکیه بر آیات اخلاقی در هر دو قسم از سور مکی و مدنی دارد. در زمینه اخلاق و مفاهیم اخلاقی کتاب ها و مقالات زیادی منتشر شده است اما هر کدام بر اساس دیدگاه خاص خود به موضوعاتی در زمینه اخلاق پرداخته اند، و تا کنون اثری با این روش و موضوع تحقیق یافت نشد. هدف از این پژوهش، اثبات آموزه های اخلاقی در سور مکی و مدنی قرآن و بررسی چگونگی طرح این آموزه ها در عصر نزول قرآن است که چگونه اخلاق اسلامی و آموزه های مرتبط با آن اعم از فردی و اجتماعی در جامعه ای که آمیخته به تفکرات شرک آمیز و جاهلی بود، مطرح گردید و سرانجام تثبیت شد. امروزه نیز شاهدکم رنگ شدن اخلاق اسلامی در جامعه و یا در ورطه ی انحطاط قرار گرفتن آن توسط فرهنگ بیگانگان هستیم. نتایج حاصل از این تحقیق می تواند راهکاری برای دست یافتن به اهداف تعالیم اسلامی در زمینه اخلاق فردی و اجتماعی باشد و از این طریق، هویت اخلاق اسلامی را در جامعه رونق بخشید. از ضرورت های پرداختن

به این مسئله، بیان اهمیت تهذیب نفس در بُعد فردی و اجتماعی و آراسته شدن به فضائل اخلاقی و طرد رذائل اخلاقی است و یافتن روش مناسب برای مقابله با فرهنگ بیگانه از جمله تأسی به روش قرآن در مبارزه با فرهنگ عصر جاهلی و شرک آلود است.

۱. مفهوم شناسی اخلاق

در تعریف لغوی اخلاق باید گفت این کلمه از ریشه «خُلِقَ» به معنای نصیب و بهره مشخص می باشد، اگرچه برای دو لفظ «خُلِقَ» و «خُلِقَ» نیز معنی تقدیر و شکل و اندازه چیزی به کار رفته است. در نتیجه شخص دارای اخلاق کسی است که بهره فراوانی از فضائل و رذائل اخلاقی را داراست، زیرا فضائل یا رذائل اخلاقی هستند که حالت صفت و ملکه ای نفسانی را در انسان ایجاد می کنند. (فتحعلی خانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۳) در تعریفی دیگر آمده است: علم اخلاق علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری مناسب با آنها را معرفی می کند و شیوه ی تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می دهد (داعی نژاد، ۱۳۸۱ش، ص ۹۰).

قرآن کریم نیز به عنوان منبع اصلی تبیین علم اخلاق برای دستیابی به اهداف خود مانند استواری نظم، عدالت و تأمین سعادت انسان ها در دنیا و آخرت، انجام و ترک پاره ای از امور را به گونه بایدها و نبایدها بر مکلفان اجبار و الزام نموده است و تمام کسانی که بالغ و عاقل هستند، موظف هستند این اوامر و نواهی را رعایت کنند. این الزام در باطن خود با بسیاری از تکالیف و رفتار آدمی مانند مسئولیت، پاداش، عقاب و... رابطه دارد. به طور کلی هر مذهب اخلاقی که شایستگی بهره مندی از نام اخلاق را داشته باشد، بر عنصر الزام بنیان نهاده شده است. از این روی الزام، قاعده ای اساسی و عنصری مرکزی است که نظام اخلاقی با عناصر ساخت واره ای آن، بر گرد آن چرخیده و نبود و ناپیدای آن به منزله اضمحلال جوهر حکمت عملی است (درآز، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱). آیات قرآن کریم بیانگر آن است که منشأ الزامات اخلاقی، وحی و اراده تشریحی خداوند است زیرا خداوند متعال نه تنها خالق جهان هستی است، بلکه به تنهایی و بی هیچ شریکی، جهان را تدبیر می کند و اوست که قوانین حاکم بر افراد و جوامع انسانی را نیز جعل و اعتبار می نماید. این

جعل و اعتبار نیز هرگز گزاف و بیهوده نبوده، بلکه بر اساس واقعیات جهان هستی و نیز با رعایت مصالح و مفاسد نفس الامری وضع شده اند.

۲. آموزه های اخلاقی در سور مکی و مدنی

در یک نگاه کلی به طرح آیات اخلاقی در قرآن کریم مشخص می شود در مکه سیر مباحث اخلاقی ابتدا از جنبه خودسازی شروع شده سپس فرد سازی و در ادامه خانواده سازی، گروه سازی و جریان سازی مطرح است. اما در مدینه به مباحث جامعه سازی، جهانی سازی و سپس جاودانه سازی پرداخته شده است. (ابو علی مسکویه، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۳۷۸) از این رو شاهدیم که اولین خطاب ها به پیامبر (ص) در مکه: « يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا؛ ای جامه به خویشتن فرو پیچیده * به پا خیز شب را مگر اندکی » (مزل/۱ و ۲) و همچنین آیات: « يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ قُمْ فَأَنْذِرْ؛ ای کشیده ردای شب بر سر * برخیز و بترسان » (مدثر/۱ و ۲) است. همانطور که در آیات مشاهده می شود دستورات به ایشان جنبه خودسازی و فردسازی دارد. اما اکثر خطاب ها در مدینه جنبه جامعه سازی و سپس جهانی سازی است: « الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. » (انفال/۳) و دستورات بعد از آن ها نیز یا مربوط به جامعه سازی است، مانند بیعت با زنان مؤمن به شرط مرتکب نشدن گناهی که بیشتر جنبه اجتماعی دارند، چون سرقت، زنا و قتل. (ر.ک: سوره نساء/ ۱۵ و ۱۷۶؛ مائده/ ۳۸؛ بحرانی، ۱۴۱۹ش، ج ۲، ص ۴۶۳) یا در ارتباط با جهانی سازی است، مانند جهاد با دشمنان دین: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ ای پیامبر با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است. » (تحریم/۹) و کوتاه نیامدن در برابر آن ها: « وَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعَاؤُهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛ و کافران و منافقان را فرمان مبر و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می‌کند. » (احزاب/۴۸) یا در جهت جاودانه سازی است، مثل ابلاغ امامت و ولایت علی بن ابی طالب و اهل بیت (ع): « يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ؛ ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد آری خدا گروه کافران را هدای نمی‌کند » (مائده/۶۷). چنان که علامه طباطبایی (ره) مطابق آیه ۶۷ سوره مائده، امام را

را به معروف امر و از منکر نهی می کردند: « الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می‌کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند. » (اعراف/۱۵۷) اما در مرحله بعد امر به معروف و نهی از منکر از اوصاف اهل ایمان دانسته می‌شود: « الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. » (حج/۴۱) و آنگاه در مدینه به عنوان یکی از وظایف اجتماعی مسلمانان از آن ابلاغ می‌شود: « وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. » (آل عمران/۱۰۴) در رابطه با آموزه اخلاقی نماز و نماز جمعه نیز همین قاعده صادق می‌باشد، ابتدا امر به تشریح نماز در مکه است: « إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَن لَّنْ تَحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِيمٌ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَءُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَأَسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ در حقیقت پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی‌خیزید و خداست که شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند [او] می‌داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید پس بر شما بیخشود [اینک] هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید [خدا] می‌داند که به زودی در میانتان بیماری‌رانی خواهند بود و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [و] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می‌نمایند پس هر چه از [قرآن] میسر شد

تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است. « (مزمّل/۲۰) و اما تشریح نماز جمعه در مدینه صورت می‌پذیرد: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون برای نماز جمعه ندا در داده شد به سوی ذکر خدا بشتابید و داد و ستد را واگذارید اگر بدانید این برای شما بهتر است. « (جمعه/ ۹) در ادامه به بررسی مصداقی چند آموزه اخلاقی دیگر در سوره مکی و مدنی پرداخته می‌شود.

۲-۱. طرد رذائل در سوره مکی و طرح فضائل در سوره مدنی

در یک نگاه کلی شهر مکه به علت فضای شرک آمیز و تفکرات جاهلی که بر جامعه آن روز حاکم بود بیشتر آیات اخلاقی به بیان رذائل و دوری از آن است. اما با توجه به فضای دینی حاکم به شهر مدینه قالب آیات اخلاقی در سوره مدنی بیان فضائل است. (شهابی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۷۱) در سوره مکی دوری از رذائل اخلاقی و طرد رذایلی چون: اسراف و تبذیر، پرهیز از فواحش، نهی از زنده به گور کردن اولاد (به ویژه دختران)، پرهیز از زنا، قتل نفس، نهی از خوردن مال یتیم و همچنین جدل احسن در امور و پرهیز از نقض عهد و پیمان، نهی از بی حرمتی به پدر و مادر و ... بسیار ذکر شده است. آیات مربوط به نهی از اسراف و تبذیر و پرهیز از فواحش عبارتند از: « يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» ﴿قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگزید و بخورید و بیاشامید [ولی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد» [ای پیامبر] بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می‌باشد این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم * بگو پروردگار من فقط زشتکارها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید. « (اعراف/ ۳۱-۳۳) اما آیات مربوط به نهی از زنده به گور کردن اولاد، دوری از زنا و

قتل و خوردن مال یتیم عبارتند از: « وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا* وَلَا تَقْرَبُوا الزَّوْجَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا* وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا* وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا* وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛ و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم آری کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است * و به زنا نزدیک مشوید چرا که آن همواره زشت و بد راهی است * و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است * و به مال یتیم جز به بهترین وجه نزدیک مشوید تا به رشد برسد و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پرشش خواهد شد * و چون پیمانه می‌کنید پیمانه را تمام دهید و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است. « (اسراء / ۳۱ تا ۳۵) پیرامون نهی از رذیله کبر یا تکبر در آیات آمده است: « سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ؛ به زودی کسانی را که در زمین بناحق تکبر می‌ورزند از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند بدان ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشته و غفلت ورزیدند. « (اعراف/ ۱۴۶) و آیه: « فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ؛ پس از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید و حقا که چه بد است جایگاه متکبران. « (نحل / ۲۹) همچنین رذیله ی اخلاقی «مَرَح» یا «شادمانی به باطل» و نهی از آن: « وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا؛ و در [روی] زمین به نخوت گام برمदार چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت و در بلندی به کوهها نمی‌توانی رسید. « (اسراء/ ۳۷) و آیه: « وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ و از مردم [به نخوت] رخ برمتاب و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد. « (لقمان / ۱۸) و آیه: « ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ؛ این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می‌کردید و بدان سبب است که [سخت به خود] می‌نازیدید. « (غافر/ ۷۵) اما در سور مدنی، امر به تعاون در نیکی و پرهیزکاری و

نهی از تعاون در گناه و تعدی قابل ذکر است در مدینه مطرح شده اند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَوْنَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید حرمت شعایر خدا و ماه حرام و قربانی بی‌نشان و قربانیهای گردن‌بنددار و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند نگه دارید و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند شما را به تعدی وادارد و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. » (مائده/۲)

نیز امر به اصلاح ذات‌البین و بین‌الناس: « وَإِن طَافْتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّى تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءتْ فَأصلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد پس اگر باز گشت میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد* در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید. » (حجرات/۹ و ۱۰) و امر به انفاق و بخشش در راه خدا: « وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست‌خود به هلاکت می‌فکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. » (بقره/۱۹۵) و در جایی دیگر از نپرداختن به این موضوع یاد می‌کند که می‌فرماید ترک این فضیله اخلاقی توبیخ به همراه دارد: « وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مَنكُم مَّنْ أَنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی‌کنید و [حال آنکه] میراث آسمانها و زمین به خدا تعلق دارد کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده‌اند [با دیگران] یکسان نیستند آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی‌اند که بعدا به انفاق و جهاد پرداخته‌اند و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. » (حدید/۱۰) و حتی به عذاب اخروی تهدید شده اند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْيَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتَنُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا

يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان اموال مردم را به ناروا می‌خورند و [آنان را] از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. « (توبه/ ۳۴) در واقع می‌توان گفت اکثر موارد فضیله اخلاقی انفاق فی سبیل الله در سور مدنی مطرح شده اند.

همچنین از سوره های مدنی نیز، سوره «نور» را می‌توان ذکر کرد که برخی آن را سوره آداب و اخلاق اسلامی نامیده اند. (شحاته، ۱۹۸۶م، ص ۴۲۳) همینگونه است امر کردن مسلمانان به فضائی چون صبر در سختی ها، بذل مال برای همدردی با سایرین، احسان و ترک بخل (ابن عاشور، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۷) در سوره «آل عمران» و ذکر مواظ الهی، نهی از حسد و دعوت به واسطه شدن در خیر و اصلاح (همو، ج ۴، ص ۸) در سوره «نساء».

۲-۲. دعوت به تقوا در سور مکی اما حقیقت تقوا در سور مدنی

با بررسی کاربردهای قرآنی تقوا، باید گفت که تقوا صرفاً دارای یک مفهوم سلبی، و به معنی پرهیز از کردار ناپسند نیست، بلکه ملکه‌ای است در درون انسان که افزون بر دور ساختن او از زشتکاری فجور، وی را به نیکوکاری (بر) فرا می‌خواند. بدین ترتیب است که در آیاتی پرشمار، صفت تقوا با اعمال پسندیده گوناگون، و نه صرفاً با ترک اعمال ناپسند قرین گردیده است. در یک نگاه کلی از حدود شصت مورد دستور به تقوا (با حذف موارد غیر مرتبط با مسلمانان) تنها هفت مورد آن در مکه است. اولین دستور به فضیله اخلاقی تقوا در سوره «انعام» می باشد که می فرماید: « وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبْرُكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ و این خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم پس از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید باشد که مورد رحمت قرار گیرید. « (انعام/ ۱۵۵) و بعد از آن در سوره «لقمان» می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمُ بِاللَّهِ الْغُرُورُ؛ ای مردم از پروردگارتان پروا بدارید و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد آری وعده خدا حق است زنده‌ها تا این زندگی دنیا شما را نفریید و زنده‌ها تا شیطان شما را مغرور نسازد. « (لقمان/ ۳۳) پیش از این تنها بیان های تشویقی پیرامون تقوا بوده است: « إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ؛ برای پرهیزگاران نزد پروردگارش باغستانهای پر ناز و نعمت است. « (قلم/ ۳۴) و همچنین آیات: « فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى * وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى * فَسَنبَرُهُ

لَيْسَرَى؛ اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت * و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد * بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. « (لیل / ۵ تا ۷) در بقیه موارد، همانند دو آیه یاد شده، امر به تقوا مطلق آمده است: « وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ و اینکه نماز برپا دارید و از او بترسید و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید. « (انعام / ۷۲)

اما در سور مدنی دستور به تقوا از یک سو مقید به قیدهایی چون حقیقت تقوا شده است مانند: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست پروا کنید و زینهار جز مسلمان نمیرید. « (آل عمران / ۱۰۲) و نهایت وسع: « فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگاراند. « (تغابن / ۱۶) می‌شود و از سوی دیگر رعایت تقوا در مسائلی خاص خواسته می‌شود، مانند تقوا در روابط خویشاوندی: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنَسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را [بیز] از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید و زینهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است. « (نساء / ۱) و اما توجه به تقوا در مراقبت نفس: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ی خود] از پیش چه فرستاده است و [باز] از خدا بترسید در حقیقت خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. « (حشر / ۱۸)

۲-۳. دعوت به قسط در سور مکی اما قیام به قسط در سور مدنی

دو واژه «قسط» و «عدل» گاه به صورت جداگانه به کار می‌روند، که تقریباً مفهومی معادل یکدیگر دارند، و گاه در برابر هم واقع می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۴، ص ۴۵۵) مانند حدیث معروفی که شیعه و اهل سنت از پیغمبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند که فرمود: « لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا؛ اگر از عمر جهان جز

یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را طولانی می کند تا مردی از فرزندان من، قیام نماید و زمین را از عدل و داد پر کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. « (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۷۷) در این روایت و مانند آن «عدل» و «قسط» در برابر هم قرار گرفته همان گونه که «جور» و «ظلم» در برابر یکدیگر است. در این که میان این دو چه تفاوتی است؟ ممکن است چنین گفته شود: قسط همان گونه که در معنای لغوی آن آمده به معنای تقسیم عادلانه است و نقطه مقابل آن تبعیض است، بنابراین قسط آن است که حق هرکس به او برسد و به دیگری داده نشود. ولی عدالت در مقابل جور و تجاوز به حقوق دیگران است، به این صورت که فردی حق دیگری را غضب کرده و برای خود بردارد و می دانیم عدالت کامل در جامعه انسانی آن زمان برقرار می شود که نه کسی تجاوز به حقوق دیگری کند و نه حق کسی را به دیگری دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۴، ص ۴۵۵) از تعبیری که در بعضی احادیث آمده تفاوت دیگری نیز استفاده می شود و آن این است که عدالت در مورد حکومت و داوری است و قسط در مقابل تقسیم حقوق است. (همان) در «لسان العرب» می خوانیم که در بعضی از احادیث آمده: « إِذَا حَكَمُوا عَدْلًا وَ إِذَا قَسَمُوا أَقْسَطُوا؛ آنها هنگامی که حکومت می کنند عدالت پیشه می کنند و هنگامی که تقسیم می نمایند رعایت قسط می کنند. « (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۷۷) این احتمال نیز وجود دارد که عدل، مفهومی وسیع تر و گسترده تر از قسط دارد؛ چراکه قسط در مورد تقسیم گفته می شود و عدل هم در آن مورد و هم در موارد دیگر. رعایت عدالت و قسط نسبت به دیگران، از ویژگی های نهادینه شده در انسان مومن و متقی است، بطوری که نژاد، حب و بغض نسبت به افراد، دوستی و دشمنی، مذهب و عقیده، سلیقه و نسبت های فامیلی و عواطف و احساسات، هیچکدام تاثیری در داوری او نمی کند. که البته آزاد شدن از این وابستگی ها به آسانی میسر نمی گردد، آیات قرآن در زمینه عدالت آمده است، که بسیار گویا و روشن می باشند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۴۵۵) اما هدف ما پرداختن به نحوه ی طرح مسئله قسط در آیات مکی و مدنی قرآن است.

در شهر مکه ابتدا سخن از امر خدا به قسط است، چون: « قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ؛ بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. « (اعراف / ۲۹) و بعد از آن قسط در معامله مطرح می شود: « وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا

قُلْتُمْ فَأَعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَيَعْلَمُ اللَّهُ أَوْفُؤًا ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ ... و پیمانانه و ترازو را به عدالت تمام ببیمایید هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی‌کنیم و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویند دادگری کنید هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد و به پیمان خدا وفا کنید اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است باشد که پند گیرید. « (انعام/ ۱۵۲) و همچنین آیه ی: « وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ؛ و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید. « (رحمن/ ۹) می باشد. اما در مدینه قیام به قسط خواسته می شود: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید هر چند به زبان خودتان یا [به زبان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. « (نساء/ ۱۳۵) البته شبیه تعبیر آیه سوره «نساء» در اواخر نزول آیات در مدینه با کمی تفاوت در سوره «مائده» اینگونه آمده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. « (مائده/ ۸) که به تصریح علامه طباطبایی (ره) در این آیه انحراف از عدل، در شهادت به نفع دشمن به دلیل بغض و کینه نهی شده است؛ در حالی که در آیه سوره «نساء» انحراف از عدل در شهادت به نفع دوست به جهت محبت و دوستی نهی شده است. و روشن است که مقام آیه سوره «مائده» به مراتب دشوارتر از آیه سوره «نساء» است. (طباطبایی، ۱۳۹۱ ش، ج ۵، ص ۳۳۷)

نتیجه گیری

تفکیک و تمییز آیات و سور مکی و مدنی براساس آموزه های اخلاقی، کاری ناصواب است. طرح مباحث اخلاقی در سور مدنی، علی رغم اختصاص برخی از احکام به مدینه، همه در راستای تکمیل و متمیم آموزه های اخلاقی و تعالیم سور مکی است. زیرا آموزه های اخلاقی مختص به یک قسم از سور نیست بلکه هم

در سور مکی مطرح شده اند و هم سور مدنی. آنچه به عنوان تفاوت در آموزه های اخلاقی سور مکی و مدنی نسبت به یکدیگر مطرح گردید تنها تفاوت از حیث محتوایی است، و این به معنای جدایی و دوگانگی وحی مکه و مدینه نیست؛ بلکه القا مجموع این معارف و آموزه ها در مجموع مکه و مدینه یک سیر به هم پیوسته و تکاملی داشته و جدا از هم نیستند. بنابراین طبق تفاوت های محتوایی، آموزه های مکی اغلب بر بُعد فردی و آموزه های مدنی اغلب بر بُعد اجتماعی تکیه دارند، چون در سور مکی فردسازی مقدمه گروه سازی و در سور مدنی جامعه سازی زمینه جهانی سازی و در پایان جاودانه سازی بیان شده است.

منابع

قرآن کریم

- ابوعلی مسکویه، (۱۴۲۲ق). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. تهران: انتشارات بیدار.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۲۲ق). من لایحضر الفقیه. مصحح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۹۹۷م). التحریر و التنویر. تونس: دار سخنون.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صار.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۹ق). البرهان فی تفسیر القرآن. بیروت: انتشارات الاعلمی للمطبوعات.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۹ش). تفسیر تسنیم. ویرایش علی اسلامی. قم: مرکز نشر اسراء.
- داعی نژاد، محمدعلی. (۱۳۸۱ش). اخلاق سکولار در رویارویی با فقه و فقهاء. مجله آفتاب، شماره ۲۰.
- داوودی، محمد. (۱۳۸۲ش). اخلاق اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- دمشقی، ابن کثیر. (بی تا). فضائل القرآن. بیروت: مکتبه المعارف.
- سادات، محمدعلی. (۱۳۷۲ش). اخلاق اسلامی. قم: انتشارات سمت.
- شحاته، عبدالله محمود. (۲۰۰۲م). علوم القرآن. قاهره: دار غریب.
- (۱۹۸۶م). اهداف کل سوره و مقاصدها فی القرآن الکریم. قاهره: دار غریب.
- شهابی، محمود. (۱۳۶۳ش). ادوار فقه. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۱ش). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طوسی، خواجه نصیر الدین. (۱۳۶۰ش). اخلاق ناصری. تحقیق مجتبی مینوی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ش). تهذیب الاعمال. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ش). پیام قرآن. با همکاری جمعی از فضلاء. تهران: دارالکتب الاسلامیه.